

متن پرسش

در تمام زندگی عشقی مثل حضرت اباعبدالله علیه السلام حس نکردم، بی‌نظیرترین حضور عاشقانه نسبت به انسانها. من نیست شدم و شرم گرفتم از حضور او؛ غالباً چنین حرف‌های عاشقانه رو نمی‌گم اما حیرانم کرده و نمی‌تونم با همه دلم این عشق ناب و زیبا رو درنیابم. اگر ظهور ائمه معصوم صلوات الله علیهم اجمعین رو بخوایم شرح بدیم چیزی به غیر از پرورش یافتن و آمادگی هر روز ما نسبت به ظهور اکنونی و بیش‌اکنونی آن حضرت نیست. خدا فرج آن حضرت را تعجیل بفرماید که ما عمیقاً و همواره منتظریم بلطف خدا. با تمام قلبم حسرت می‌خورم از فراق این حضور و ظهور که بیش از پیش اتفاق افتاد. پدرم می‌گفت زمانی که خیلی بچه بودی شب عاشورا دیر وقت از روضه آمدم خانه و همه خواب بودند و تو در خواب با صدای بلند چند بار گفتی یا حسین و من گریستم. او همیشه بوده و هر آن بهتر و بیش‌تر است این فقط ماییم که با آمادگی بیشتر و به تناسب ظهور امروزینش او را بیشتر درک و حس خواهیم کرد، تا بیش از پیش انسان شویم ان شاءالله.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! بحث در نظر به ابعاد نهایی انسان است که در کربلا، بخصوص با امام حسین «علیه‌السلام» و در اصحاب گرانقدر آن حضرت به ظهور آمد تا ما در نسبت به خود بفهمیم چه اندازه می‌توانیم انسانیت خود را در آن عزیزان احساس کنیم و به نهایی‌ترین حضور در حضرت مهدی «عجل‌الله تعالی فرجه» باز در درون خود نظر کنیم تا معنای انتظار، درونی و بیرونی باشد. انتظار بیرونی کافی نیست ولی لازم است. موفق باشید